

جلسه ۲۹

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۲۰
میزان مطابق یازدهم شهر صفر ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست
آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۸ میزان را آقای بیان -

الدوله قرائت نمودند .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه

نطق)

حاج شیخ اسدالله - در صورت مجلس راجع

بظواهرات شاهزاده نصرت الدوله

بطور اجمال شرحی نوشته شده است که شاهزاده

فرموده اند منشی محکمه وجهی از متداعین خواسته

این مطلب اشتباه است مثل اینکه در روزنامه هم نوشته

است منشی محکمه بعنوان تعارف وجهی خواسته و حال

آنکه اینطور نیست آن وجه بعنوان فوق العاده بوده

در صورت مجلس بطور اجمال ذکر مینماید که وجهی

خواسته اما قضیه اینستکه آیا این وجه بعنوان تعارف

یا فوق العاده بوده نه نبوده و البته باید معلوم

شود .

رئیس - اضافه میشود غیر از این دیگر اعتراضی

نیست ؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دو فقره

راپورت از شعب رسیدیم یکی راجع با آقای ضیاء الادبا

دیگری راجع بمعصم السلطنه .

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید .

رئیس - بلی فعلا اجازه خواسته بودید

بفرمائید .

ارباب کیخسرو - با اینکه سه ماه و ده روز

است از افتتاح مجلس شورای ملی میگذرد و متأسفانه

هنوز مجلس فرصت نیافته است یک قدم برای سعادت

ملت و وضع قانون و نظارت در حفظ و اجرای قانون

بردارد و غالب اوقات آن بمذاکرات شخصی گذشته

است از اینجهت بنده میخواستم داخل مذاکرات

شخصی نشده باشم . بنا بر آن در موقع انتخاب هیئت

رئیس سابق از چند روز قبل از آنکه هیئت رئیس را

انتخاب نمایند به رئیس مجلس عرض کردم که صلاح خودم

را بقبول عضویت اداره مباشرت نمیدانم و اینکه

بالاخره قبول کردم بر حسب وعده بوده که فرمودند

تا چهاردهم میزان عضویت اداره مباشرت را داشته

باشم و بعد از آن باختیار خود باشم در جلسه قبل در

موقع استخراج آراء بنده حضور نداشتم و بعد از

آنکه شنیدم اکثریت داشته ام خواستم خدمت آقای

رئیس عرض کنم که مجلس بنده را از این خدمت معاف

نماید ولیکن موقع متقاضی و مجلس متفرق شده بود

لکن حالیه عرض میکنم بعد از آنکه دوازده سال و سه

ماه تصدی این امر بوده ام حالیه دیگر صلاح خود را در

مداخله نمیدانم و در این موقع که از این کار کناره

می کنم گمانم این است که این مدت تصدی بنده آنقدر

بمن اجازه نمیدهد که قدری توضیحات از گذشته

بدهم کلیه دوازده سال و هفت ماه است که بنده مستقیماً

داخل در سیاست هستم و از این مدت چنانکه عرض کردم

دوازده سال و سه ماه آنرا متصدی امور اداره مباشرت

بوده ام . در تمام مدت زندگی خودم بنده فقط متصدی

سه امر مالیه میدانم که از طرف دولت و مجلس

مسئولیت آن بمن رجوع شده بود . یکی در موقع تاج -

گذاری اعلیحضرت همایونی بوده است که تهیه شدن

آنکار به بنده رجوع و در مقابل صد و پنجاه هزار تومان

اعتبار داده شده بود ولی خوشبختانه این امر در

کابینه مرحوم علاء السلطنه بمن واگزار شده بود و در کابینه

آقای مستوفی الممالک حساب آن را در مقابل دوازده هزار و

چهار صد تومان و کسری فقط خرج کرده بودم

و در همان موقع مفاصا گرفتم قسمت دیگر عملی

است که در سنه ثیلان قبل در کابینه مرحوم علاء السلطنه

یعنی کابینه که آقای مشیرالدوله و آقای مؤتمن

الملك هم عضویت داشتند و همین آقایان محترم کراراً

به بنده تکلیف کردند که متصدی خرید غله باشم

و چون مکرر تکلیف نمودند بنده در آنسال متصدی

این امر شدم لازم میدانم در اینخصوص بطور اختصار

خاطر آقایان را متذکر کنم که از ابتدای سنه

لوی ثیل که سنه قبل از آن باشد در کابینه آقای

وثوق الدوله خرید غله بعنوان تجارتی نه بعنوان نوکری

به بنده تکلیف شد این را هم باید عرض کنم که

بنده در مدت هر خودم نوکری دولت نداشته ام

این تکلیف هم بعنوان نوکری دولت نبوده فقط

بعنوان خرید تجارتی بوده که غره ذی حجه

آن سنه به بنده واگذار شد وقتی که راضی

باین امر شدم و مقداری غله خریداری نمودم بواسطه

بعضی پیش آمده اصلاح خود را در کناره گیری دیدم

و حساب مدت دو ماه تصدی خود را داده و مفاصا

گرفته کناره کردم بعد که مجدد در سنه ثیلان

ثیل این امر به بنده رجوع شد در آن موقع گندم

در طهران خرواری سی و سه الی سی و هشت تومان

بود و در برج ثور یونت ثیل سنه بعد بود در طهران

گندم بخرواری صد و بیست الی صد و سی تومان

بلکه بیشتر بالغ هم شد یعنی هر کس هر چه میل داشت

میفروخت برای این کار از طرف دولت مبلغ هشت

صد و چهارده هزار و نهصد و شصت و چهار تومان و

کسری به بنده اعتبار داده شد از این مبلغ پانصد

و هفتاد و نه هزار و هشتصد و چهل تومان بمصرف

خرید رسانیدم و دو بیست و سی پنج هزار و صد و بیست

و سه تومان و کسری نقد عاید دولت شد کلیه

در آنسال خریدی که بنده کردم پانزده هزار و

هشتصد و پنجاه خروار بود که در برج ثور خرید

آن تمام شد و در برج جوزا همان سال بنده

بوسیله روزنامه ایران که آنوقت در تحت نظر آقای

ملك الشعرا اداره میشد بموم کسانی که طرف معامله با بنده

شده بودند حتی بمکاریانی که جنس حمل نموده بودند

اعلان کردم که من مشغول تهیه صورت حساب برای تقدیم

بدولت هستم خواهشمندم هر کس هر معامله که با من کرده

است کلیه صورت آنرا بدولت بدهد تا بعد دولت آنها

را با صورتی که من میدهم مطابقت نماید در برج

سرطان در کابینه آقای صمصام السلطنه صورت حساب

را تقدیم دولت کردم آقای حکیم الملك وزیر مالیه

و آقای فهیم الملك خزانهدار مشغول رسیدگی شدند

در خاتمه آن کابینه حساب تمام شد و مفاصای بنده

را هم در هفدهم میزان آن سنه در کابینه آقای وثوق -

الدوله دادند در موقعی که رسیدگی بمحاسب بنده

شده صورتی که مطابق شرحی که عرض کردم

از ابتدای شروع بنده بکار خرید گندم خرواری

سی و سه الی سی و هشت تومان و در ختم آن

خرواری صد و سی تومان متجاوز بوده پس از

تسویه حساب مطابق صورتی که تقدیم دولت داشتم

معلوم شد گندم با جزئیات مخارج آن از قبیل کرایه

و مخارج مامورین قزاق و ژاندارم و غیره در آن

سال قحطی و گرانی فوق العاده خرواری سی و هفت

تومان و پنجقران و دهشاهی برای دولت تمام شد

در هر صورت در این قسمت هم بنده حساب داده

و مفاصا گرفتم قسمت دیگر از مداخله بنده در امور مالیه

عضویت اداره مباشرت میباشد از روزی که متصدی

این امر شده ام تا دو روز قبل که متصدی بوده ام

و الان کنار میروم بطور خلاصه کلیه اعتباری که

تا آخر سنه بیچی ثیل به بنده داده

شده بوده مبلغ شصت و شصت و نه هزار و دو بیست و

سی و چهار تومان و شش قران و شش شاهی بوده است

از این مبلغ پانصد و شانزده هزار و دو بیست و چهل تومان

و نه قران و ده شاهی بمصرف رسیده است باین شرح در دوره

دوم دو بیست و نود هزار و هشتصد و شصت و نه تومان و

شش قران و یک شاهی که در مجلس نیز تصویب شده است

در دوره فترت بین مجلس دوم و سوم مبلغ بیست و هفت

هزار و چهار صد و چهل و هفت تومان و شش قران

و چهار شاهی که آنهم

در مجلس تصویب شده است از دوره سوم یکصد و

یازده هزار و پانصد و سی و یک تومان و شش قران و

سه شاهی میماند ایام فترت بین دوره سوم و چهارم و

در این مدت هم هشتاد و شش هزار و نود و دو تومان و

و یک قران و صد دینار بمصرف رسیده است که صورت

آنرا در هفتم سنه تقدیم کردم و در اینجا قرائت شد

و باید بکمسیون محاسبات برود از آن میزانی که

اعتبار داده شده بود یکصد و پنجاه و دو هزار و سیصد

و نود و سه تومان و شش قران و شصت و دینار کمتر خرج

شده است محاسبات آنها یک قسمت تصویب شده فقط

قسمت اخیر آن یعنی محاسبات دوره فترت باقی مانده

که آنهم بکمسیون محاسبات رفته که باید راپورت

خودش را بعد از رسیدگی تقدیم دارد و قسمت دیگری

که هنوز حساب آن رسیدگی نشده قسمت اخیر

تصدی بنده بوده پیش از شروع دو روز قبل که بنده

متصدی اداره مباشرت بوده ام که حساب آن از طرف

اداره محاسبات تهیه و تقدیم خواهد شد این بوده خلاصه

عملیاتی که بنده چه در کارهای دولتی و چه ملی در

دوره زندگی خودم متصدی بوده ام همان قسم که از

ابتدای تصدی به عقیده خودم با شرافت داخل شده ام

الان هم با شرافت کناره میگیرم و خارج میشوم

حساب مجلس نیز برای آقایان نمایندگان باز است

و البته کمسیون محاسبات راپورت خود را تقدیم خواهد

کرد فقط امتدائی که دارم این است که کمی یون معاسبات زودتر راپورت خودش را تقدیم دارد و مجلس شورای ملی زودتر رسیدگی بآن نماینده تاخیال بنده بکلی راحت بود اگر چه خیالم خالیه نیز راحت است ولی فقط میتوانم عرض کنم اصرارم از این بابت است .

توانم آنکه نیازم اندرون کسی حسود را چنگم کاو ز خود برنج در است اشخاصی هستند که همیشه محضاًه زبان تنقیدشان دراز است و چون متأسفانه این ترتیب بکلی عادت مملکت مشاهده است بهمین جهت است که بنده میخواهم مجلس که فوق همه است نظریات خودش را هر چه زودتر بگوید و در خانه در این موقع که از خدمت و عضویت اداره مباشرت کنار میروم فقط یک استدعا دارم و آن استمداء چنانکه در راپورت خود عرض کردم راجع باعضاء و مستخدمین اداره مجلس است که خدمات فوق العاده کرده اند و بصداقت و وظیفه خود را انجام داده و حقیقتاً آبروی متصدیان را همه وقت حفظ کرده اند در ایام فترت و سختی بنده همه با آنها و عده و اطمنان دادم که هر وقت مجلس باز شود حقوق زحمت آنها را مراعات خواهم کرد این است که در این موقع مسئولیت را از خود دور کرده و حفظ حقوق آنان را به مجلس واگذار مینمایم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)
سلیمان میرزا - همان قسمی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند البته در صورتیکه دوازده سال و سه ماه در نهایت صحت و امانت متصدی امر مباشرت مجلس شورای ملی هستند هیچ زیانی نخواهد داشت که چند دقیقه هم وقت مجلس بذکر خدمات ایشان مصروف شود تا این امید از برای افراد مملکت حاصل شود که اگر شخصی وظیفه خود را از روی صحت انجام داده از او قدر شناسی خواهد شد (بر خلاف قانون امروزی مملکت) البته آقایان بخوبی مسبقاً که وقتی دوره دوم مجلس مجدداً خواست مفتوح شود یعنی بعد از خرابی محمد علی شاه یک اداره مباشرتی بآقای ارباب کیخسرو تحویل داده شده بود که اگر گفته شود عدد منفی بوده یک عددی مساوی با صفر یعنی هیچ نبوده تنها اداره مباشرت بلکه اثابته هم که امروزی بینیم هیچ وجود خارجی نداشته.

آقای ارباب کیخسرو با کمال جدیت و امانت که مخصوص خودشان است نهایت مواظبت را در امور مرجوعه بخود منظور داشته و اساسی که بایشان سپرده شده بود بنحوی اداره نمودند که امروز اوضاع مجلس از حیث اثابته و انتظامات و صحت دفتر و صندوق ابداً طرف نسبت با سایر دفاتریکه در این مملکت موجود است نیست اگر امروز در سر تاسر مملکت جستجو کنیم نمی توانیم یک دفتری باین نظم و صحت نشان بدهیم صحت آن همینقدر کافی است که آن ساعتی که متأسفانه (باید گفت متأسفانه) از اداره مباشرت استعفا میدهند محتاج نیستند باین که بگویند تأمل کنید تا این یک قلم را در آخر دفتر بنویسم و یا این که فلان کاغذ را در فلان دوسیه بگذارم و یا فلان ورقه را بنویسم به مجرد این که استعفاء میدهند دفتر

دانی نمیشود و همه دیده اند اشخاصی که یک چند وقتی مباشرت عملی را کرده اند متعجب از چند هزار تومان از آنکاری که هفتاد تومان مواجب داشته برای خود تهیه دیده اند و وقتی که آمده اند مجدداً یک مأموریت بزرگتری گرفته اند البته در این صورت هیچ کس میل بصحت و امانت نمی کند امروز در زوایای اصافهای مابین اشخاص وقتی که صحبت میشود اگر کسی حرفی از صحت و امانت بزند میگویند این شخص سفته است این بیچاره سفته نادان بدبخت ده هزار تومان یا بیشتر باو میدادند تا یک کاغذ را امضاء نماید یا فلان کار را بکند این ابله باشد فقر و فلاکتی که داشت از آن مبلغ صرف نظر کرده و آن پول را نگرفته و مسلمانان گرسنگی عاقبت خواهد مرد این است امروز حرفهایی که در مواقع صحبت گفته میشود برعکس میگویند فلانی شخص کافی و لایقی است از فلان مأموریت جزئی در فلان ناحیه کوچک وقتی که برگشت خیلی متمول برگشت و حالاً هم چون کفایت بخرج داده بولایات دیگری مأمور شده این است اوضاع کنونی ما و البته در وسط این خرابیها اگر شخصی مثل آقای ارباب کیخسرو بیا اشد محل توجه است ملاحظه فرمائید بیک شخصی ۱۵۰ هزار تومانی برای خرج ناگذاری اعتبار بدهید علاوه بر اینکه چنانکه در این مملکت رسم است بعد از مخارج مطالبه یکمقدار دیگری میکند و میگوید فلان مقدار طلبکارم آنوقت مخارجی را که در کمیسیون حدافش یکصد و پنجاه هزار تومان تصویب شده به دوازده هزار تومان تقلیل داده این است که کاملاً عمل این شخص برجسته است و اگر شخصاً بنده آن صورت را ندیده بودم قدری اغراق تصور مینمودم و یابینکه در سال مجاعه که گندم بآن قیمت ترقی نموده بود همینطور که حالا فرمودند بخرواری سی و هفت تومان و کسری برای دولت تمام شده است آیا هیچکس میتوانست تصور بکند که گندم در سال فحطی و مجاعه خرواری سی و هفت تومان و کسری برای دولت تمام شود سابقاً اشخاص دیگری هم از طرف مجلس مأمور خریداری جنس برای دولت بوده اند لیکن خیلی فرق است مابین این خرید که از روی صحت بوده و آن خریدی که بنده آخر درست حساب آنرا ملتفت نشدم کسی در سال مجاعه بتواند از برای دولت گندم خرواری سی و هفت تومان و نیم خریداری کند انصافاً خیلی خوب است و من خیلی متأسفم از اینکه باوجودیکه ایشان با کثرت در مجلس انتخاب شدند از کار خودشان کناره می گیرند و البته اگر ممکن بود که خدمات خود را تعقیب میکردند خیلی بهتر بود ولی چون با خودشان مذاکره کرده ام چنین فهمیده ام که میل دارند چندی راحت بکنند متأسفانه دیگر راضی بقبول این رحمت نخواهند شد نکته دیگری که نایستی فراموش شود خود ایشان مخصوصاً در قسمت آخر نطق خود متذکر شدند آن زحمت و صحت عمال اجزاء و اعضاء مجلس است و احساسات ملی است که نشان داده اند زیرا که اگر در اداره رئیس آن فقط جدی و صحیح العمل باشد نمی توان گفت آن اداره مرتب و منظم خواهد بود ولی این اعضاء در صحت و جدیت تأسی بر رئیس خودشان نموده اند و متعلق باخلاق رئیس هستند و متأسفانه باید گفت در اینجا هم قانون عمومی حکم خودشان را

کرد در آنسال مجاعه این بیچاره اجزاء و اعضائی که در این جا هستند و با کمال میل و عقیده قلبی که ب حفظ اساس مشروطیت دارند خوشوقتی و آرزویشان این بود که بازم دفعه دیگر مجلس را مفتوح به بینند در آنسال که بهمه کس کمک میشد باین بدبختان مطابق اطلاهی که دارم ابداً کمکی مبدول نشد و مطابق قانون عمومی محروم از هر گونه آسایش و مزاحمت بودند نمی دانم باز ما باید بهمین حرفها اکتفاء کنیم یا در موقعی که رفقای عزیز و آقایان و کلای محترم رسیدگی بمحاسبات مینمایند بیک اظهار تشکر و قدر شناسی از این اجزاء که سختی و فلاکت گذرانده اند و امروز هم میگذرانند خواهند نمود فقط بنده امروز یاد آوری از زحمات رئیس و مرئوس می نمایم تا بعد آقایان محترم چه در نظر بگیرند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو شرحی به بنده نوشته اند که باین مذاکرات خاتمه داده شود زیرا که مقصودی غیر از بیان مطالب نداشته اند و مقصودشان تعریف و تمجید نه بوده است ولی بنده مجبور هستم که در این موقع چند کلمه عرض کنم خیلی افسوس میخورم که آقای ارباب کیخسرو مجبور شده اند که از تصدی اموری که در سابق داشته اند چند کلمه مذاکره کنند صحت عمل و کفایت ایشان ضرب المثل است و لزوم بتوضیح نیست لیاقت و صحت عملی که در امور مجلس ارائه داده اند خود یک نمونه و مثالی است از کفایتی که در امور خارج که بایشان محول شده بود بخرج داده اند از حیث انتظام هم لزوم بتوضیح نیست و خود آقایان و کلای که سابقاً در مجلس بوده اند ملاحظه کرده اند لذا هر چه از این بابت عرض کنم زیاد است اما راجع ب جریان قضایا و مذاکراتی که در باب انتخاب ایشان بوقوع پیوسته است مطلب همان است که فرمودند

در برج سنبله وقتی که قرار شد انتخابات شروع شود قبل از وقت ایشان به بنده فرمودند که دیسکر شغل مباشرت را قبول نخواهم کرد الان هم برای بنده بیان فرمودند ولی بنده از آنجا که وجود ایشان را در هیئت رئیسه لازم میدانم چنان که سابق هم عرض کردم استعفاء نامه ایشان را قرائت نه نمودم برای اینستکه ایشان را مجبور بقبول نمایم هر چند که بعد از انتخابات هم قبول می فرمودند بنده و جمعی دیگر رفتیم و بایشان اصرار کردیم که شغل مباشرت را قبول کنند و ایشان نیز قبول نمودند ولی باین شرط که در انتخابات جدید از این شغل معاف باشند ولی چند روز قبل که بنامند انتخابات تجدید شود بنده بهمان نظریه سابق عرض نکردم و حالاً هم در همان عقیده خودم باقی هستم و وجود ایشان را در هیئت رئیسه و اداره مباشرت لازم می دانم (بعضی گفتند صحیح است) و گمان میکنم که اگر ایشان اصرار داشته باشند و اداره مباشرت را قبول نکنند امور اداره مباشرت مجلس مختل خواهد ماند (صحیح است) ولی بنده دیگر کاری نمی توانم بکنم و آن قدر هم که لازم بود اصرار کردم ولی قبول نکردند دیگر راجع بخود

آقایان است مذاکرات را بهمین جا ختم می نمایم که خود آقایان و کلای در ظرف این دوروز ما ایشان را قانع کنند که دوباره مشغول کار شوند.
آقای شیخ محمد جوادی - احضار برای قرائت راپورت)
آقای شیخ محمد جوادی - راپورت شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای ضیاء الادبیه را بمضمون ذیل قرائت نمودند (شعبه دوم مراجعه بدوسیه انتخابات شیراز نموده نظریات خود را تقدیم مجلس شورای ملی می نماید .
در ۲۵ ربیع الثانی که ۴۷۰ انجمن نظارت مرکزی تشکیل اعلان انتخابات را مطابق مقررات قانون منتشر کرده اند.
از ۵ جمادی الاول الی ۲۱ در مدت ۱۷ روز ۷۱۴۰ ورقه تعرفه توزیع و در ظرف پنج روز (۵۸۸۸) ورقه رأی دریافت داشته اند علاوه چهارده شعبه نظارت در چهارده نقطه تشکیل داده اند در نقاط چهارگانه (۲۱۴۳۶) ورقه تعرفه داده شده (۲۰۴۷۹) ورقه رأی مأخوذ گردیده است

کلیتاً در حوزه انتخابیه شیراز (۲۶۳۶۷) ورقه رأی اخذ شده آقای ضیاء الادبیه با اکثریت (۲۰۶۵۱) بسمت عضویت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند پس از استخراج آراء نه روز هم انجمن نظارت برای اخذ شکایات دائر بود ولی شکایاتی نرسیده در ۱۹ شعبان خاتمه بانتخابات داده شده و انجمن نظارت را منحل کردند.

مطابق صورت مجلس از تمام شعب انتخابیه چهار پنج روز بعد از نشر اعلان انتخابات تعرفه داده اند اگر چه موافق قانون کمتر از دوازده روز پس از نشر اعلان بیانه تعرفه داده شود ولی چون راپورت این انتخابات در موضوع سه نفر دیگر از نمایندگان محترم فارس قبلاً بمجلس داده شده و نمایندگان محترم جریان انتخابات را تصدیق فرمودند و اهمیت باین مسئله نداده اند لذا شعبه هم این قضیه را بمثل انتخابات ندانسته به اکثریت صحت نمایندگی آقای ضیاء الادبیه را تصدیق می نماید .

رئیس - راجع بانتخابات آقای ضیاء الادبیه مخالفی نیست ؟
(گفته شد خیر) رأی می گیریم بنمایندگی آقای ضیاء الادبیه آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
(آقای شیخ محمد جوادی راپورت شعبه دوم راجع بآقای متعصم السلطنه را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم مراجعه بدوسیه انتخابات سیستان و نمایندگی آقای متعصم السلطنه نمود جریان انتخابات را مطابق قانون می داند ولی از نقطه نظر صلاحیت مخصوصاً بواسطه عملیات اخیرش در خراسان مشار الیه را صالح از برای عضویت پارلمان ندانسته نمایندگی

ایشان را با اتفاق آراء رد نماید
رئیس - راجع باین راپورت مخالفی هست ؟
آقای سید یعقوب - راجع ب عدم کالت ایشان هیچ کس مخالف نیست.
رئیس - رأی می گیریم بر راپورت شعبه آقایانیکه راپورت شعبه را تصدیق می کنند یعنی نمایندگی متعصم السلطنه را رد می کنند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - نمایندگی آقای متعصم السلطنه رد شد چند روز قبل از طرف آقایان وزراء راجع بتصویب یا نرد هزار تومان برای تعمیرات و اصلاح سد جاجرود پیشنهادی نموده بودند و پیشنهاد مزبور به کمیسیون بودجه مراجعه شد از طرف کمیسیون راپورتی رسیده است قرائت میشود .

(آقای سردار معظم راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)
کمیسیون بودجه لایحه درخواست مبلغ پانصد هزار تومان اعتبار تعمیر سد جاجرود را تحت مباحثه در آورده نظر باینکه تعمیر سد مزبور نهایت فوریت را دارد کمیسیون تصدیق نموده ماده واحده را پیشنهاد مینماید .

رئیس - ماده واحده که راجع به این شعبه نوشته شده قرائت می شود و بعد رأی باورده می گیریم .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

مبلغ پانصد هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود بطوریکه از طرف دولت پیشنهاد شده بوزارت مالیه اعتبار داده میشود .

نصرت الدوله - ماده پیشنهاد شده از طرف دولت کاملاً تطبیق بارای کمیسیون نمیکند برای آنکه در ماده واحده که قرائت شد آن اعتبار را برای هذلسنه ذکر می نماید و مخصوصاً این مسئله در کمیسیون مذاکره شد که شاید بواسطه نزدیک شدن زمستان و سردی هوا موقع مرمت و تعمیر برای دولت باقی نماند که از هذلسنه این اعتبار را خرج نماید لذا کمیسیون در سفارش تقاضای دولت اصل مبلغ اعتبار را تصویب نمود ولی در صورتی که دولت ملاحظه کند امسال بواسطه سردی هوا تعمیر سد غیر ممکن است البته اجباری نخواهد داشت که این وجه را کلیه در هذلسنه به مصرف برسانند و اگر این ماده را تصویب نمایم مخالف نظریات کمیسیون بود و شاید تولید اشکال شود باین لحاظ خوب است ماده پیشنهاد بنده مطابق رأی کمیسیون نوشته شود .

سردار معظم - معمولاً مطابق رأی کمیسیون رأی گرفته میشود.
نصرت الدوله - چون کمیسیون ماده بندی نموده خواستم که ماده بندی که میشود مطابق رأی کمیسیون باشد

سردار معظم در ماده پیشنهاد شده هینقدر ذکر میشود یا نقد هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود و اعتبار داده می شود در پروگرام دولت که کمسیون در این مسئله ماده بندی کنند بعد رای گرفته شود. حاله در پروگرام دولت بحث میشود.

ماده واحده راجع به یا نقد هزار تومان از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده) رئیس - چون این ماده پیشنهاد شده فوری است قرائت میشود بعد رای میگیریم.

آقای آقامیرزا ابراهیم خان ماده مزبور را به مشورن ذیل قرائت نمودند) ماده واحده - مبلغ یا نقد هزار تومان برای تعمیر سد جاجرود بوزارت مالیه اعتبار داده می شود که در هازم الحاقه تعمیر سد مزبور بعمل آمده و اگر بواسطه سردی هوا تعمیرات مزبور در هذمه السنه انجام داده شود در سنه آتی در اولین موقع فرصت سد مذکور ساخته شود.

رئیس - رای میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب می کنند ورقه سفید و آقایانی که تصویب نمی فرمایند ورقه کبود خواهند داد (پس از اخذ آراء آقای سهام السلطان شروع با استخراج نموده بترتیب ذیل نتیجه حاصل شد)

عده حضار (۶۵) ورقه سفید علامت قبول (۵۲) ورقه بدون قید سفید یا آبی (۳) ورقه سفید بدون اسم

(۱) رئیس - این رای غلط بود آنستکه گفته شده است بایستی اوراق سفید و کبود داد برای این است که از دور فرق بین آراء مثبت و منفی معلوم باشد و هر کس می بیند بداند چند ورقه سفید و چند ورقه کبود داده شده ولی بعضی از آقایان کاغذ سفید بجای ورقه سفید و کبود میدهند

و چون آقایان ترتیب آنرا فراموش کرده اند خواهش می کنم اوراق سفید و آبی که بین ایشان توزیع شده است اگر بیرون گذارده اند میآورند و در آخر جلسه رای می دهند.

مدرس - اکنون که اکثریت هست خوب است این ملاحظه برای آتی باشد.

رئیس - رد و قبول معلوم نیست بعضی ها در آخر ورقه نوشته اند سفید و بعضی ها بدون این قید اسم خودشان را نوشته اند.

آقای سید یعقوب - آنها علامت امتناع است بعد از پنجاه و نفر ورقه سفید داده اند و این قید را هم نمودند دیگر اشکالی باقی نماند.

رئیس - ضد نظام نامه است نظام نامه می گوید بایستی باورقه سفید و کبود رای داده شود - مذاکره در پروگرام آقایان وزراء است ماده آخر آن قرائت میشود.

سردار معظم - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

سردار معظم - سابق بر این معمول بود ابتدا در کلیات پروگرام بحث می شد و بعد داخل مواد میشدیم.

رئیس - از کلیات مذاکره میشود راجع بکلیات

مخالفی هست ؟
فهییم الملك - بنده عرض دارم.
رئیس - بفرمائید.

فهییم الملك - اولاً خیلی جای خوشوقتی است که بعد از چند سال دوره طولانی است فوت و تعطیل مشروطیت مجدداً

ولو بر حسب ضرورت هم باشد) اساس مشروطیت تظاهراتی می کند مجلس شورای ملی منعقد است و آقایان وزراء معرفی شده و پروگرام خود را بمجلس داده اما هر قدر هم آن اساس خراب و مضمحل باشد و اساس مشروطیت از خاطر منحو شود همین که حضوراً مجلس مفتوح بشود و پروگرام دولت بمجلس بیاید هر کس حق بنده هم که مثل سایر آقایان دارای نطق و بیان نیستم خود را مجبور می بینم هر ایضی بکنم

آقای رئیس الوزراء در مقدمات پروگرام اظهار فرمودند بایستی از چیزهایی که شبیه برآم آرزو - است صرف نظر کرد و داخل سعی و عمل شد بنده کاملاً با این عقیده ایشان موافقم لکن مواد پروگرام غیر از این است و البته خودشان میفرمایند که از مرام - های معمولی هم خیلی مهم تر است یک مرامی است که بعضی از مواد آن کم است البته از حضرت آقای قوام السلطنه رئیس الوزاء که مطلعترین اشخاص با احتیاجات مملکت هستند و از ابتدای مشروطیت همه وقت متصدی امور بوده و اخیراً هم پنج ماه است که زمامداران این مملکت هستند (خیلی انتظار میرفت که پروگرامشان از این واضح تر و روشن تر باشد و طرز رای باشد که از امروز فردا بتوانند شروع به - اصلاحات فرمایند معلوم است ترویج معارف اصلاح طرق و شوارع و اصلاح مالیه اینها چیزهایی است که همیشه گفته و درود بآنهاست. مسئله که بنده را برض این عریاض مجبوراً می کند سابقه هائی است که در این موارد دیده شد و در این شانزده سال مشروطیت چندین کابینه بمجلس معرفی شده و همه آنها یک پروگرامهای مشعشعی بمجلس آوردند که هیچ کدام عملاً بوقوع اجراء گذارده نشده حضرت والا شاهزاده شهاب الدوله وزیر پست و تلگراف مدافع چندین پروگرام بودند

البته خودشان مواد آنرا کاملاً میدانند و می دانند که ابتدا آن پروگرام ها اثرات خارجی پیدا نکرد ولی بعضی از مواد پس از مدت زمانی بوقوع اجراء گذارده میشد ولی آن موادی بود که هیئت دولت از اجراء آن برای خودش صرفه می دید مثل الغای قانون بیستم جوزا و غیر از آن یا اینکه راجع به - تصویب شهریه ها بعضی اعتبارات لوائجی بمجلس می آمد که بعضی اشک کابینه بهم نخورد تمام آن مقدمات بهم نخورد و کابینه دیگری که روی کار می آید اهمیت بآنها می دهد ؟ آقای رئیس الوزراء در زمانی که وزیر جنگ بودید با چه جدیتی چه مقدماتی برای اصلاح قشون فراهم نموده بودند که اگر تعقیب می شد امروز ما یک قشون بسیار معظمی داشتیم متأسفانه

وقتی که ایشان از آن کار خارج شدند قائم مقام ایشان اول وظیفه خود را نقض آن قوانین دانست همینطور است قوانینی که در این مدت از مجلس گذشته است هر کدام در یک عصری طرف توجه بودند و بعد فوراً بر طرف شده است آیاتاً اکنون هیچ یک از اشخاصی که نقض قانون کردند مجازات و یا طرف مؤاخذه واقع شده اند که بفهمند قانون اهمیت دارد. یا خیر.

چند روزی چند نفر قاچاقچی روی کار آمدند از هیچگونه فجاجع فروگذار نکردند یک چند نفری از آنها که عضو مجلس بودند بمجلس حسب الوظیفه آنها را رد نمود ولی غیر از آنها سایرین که در دوائر دولتی یا در خارج بودند ابتدا نسبت بآنها مسئولیتی متوجه نشد و معلوم نشد که این قوانینی را که در مجلس تصویب شده چرا نقض کردند باید دید دولت حاضره برای حفظ قانون چه نظریاتی دارد و آیا نسبت باین اشخاص مجازاتی اعمال می شود یا خیر ؟ اگر این مجازاتها و این مؤاخذه ها پیش می آید آنوقت روز بروز این اشخاص تشویق می شوند و بعد از آن برای قانون اهمیت نخواهد ماند ؟ بنده همانطور که عرض کردم نسبت بآقای رئیس الوزراء که مال اعتماد و اطمینان دارم زیرا وقتی که دروزارت مالیه افتخار نمایندگی ایشان را داشتم می دیدم که خیالات و جدیت ایشان در کار های مملکتی چه اندازه عالی است ولی همان وقت هم منتفتم بودم که خودشان نیز بواسطه محظورات خارجی موفق باجرای آن مقاصد عالی نمی شدند پس چطور می توانند بمجلس شورای ملی را مطمئن بکنند که از حالا ببعد قوانینی را که بمجلس وضع کند کاملاً مجری خواهد شد زیرا که این مواد که نوشته شده است هر کدام متضمن چندین صد ماده قانون خواهد شد که بتدریج از مجلس بایستی بگذرد و البته عمر مجلس بلکه عمر هیچ کدام از ما کفاف نخواهد کرد قوانینی که بایستی راجع باین مواد وضع شود بگذرد تنها چیزی که می تواند مارا مطمئن باجرای قوانینی که در مجلس وضع می شود بنماید همان مجازات است بایستی فهماند که قوانینی که در مجلس تصویب می شود بنماید قابل اهمیت است و هیچکس بهیچ اسم و رسم نمی تواند آنرا نقض کند تا اصول سیاست در مملکت حقیقت و مفهوم خارجی پیدا نکنند تمام قوانینی که ما وضع می کنیم بی اساس خواهد بود بنده از آقای رئیس الوزراء استدعا می کنم بفرمایند که برای اجراء قانون و اهمیت آن چه چیز هائی را در نظر گرفته اید گمان می کنم که مجلس هم بامن هم عقیده باشند تا موقمی که در این مسئله یک رای قطعی اتخاذ نشود نفهمند که قوانینی را که وضع می نمایند تا چه اندازه قابل اهمیت خواهد بود و در خانه امر چه خواهد شد و تا چه درجه طرف رعایت خواهد بود نه فقط این پروگرام را بلکه در قوانین آتی هم که باید رای بدهند وقت خودشان را تلف نمایند

رئیس آقای سردار معظم اجازه نطق

سردار معظم - بنده با پروگرام دولت موافقم ولی موافقت من البته از نقطه نظر تفریق الفاظ عبارت و از نقطه نظر مواد پروگرام نیست بلکه موافقت من از این نقطه نظر است که موافقت با پروگرام دولت حاکمی از موافقت با خود دولت است از این جهت است که من بنام موافقت با پروگرام دولت بر کرسی پارلمان صعود کرده ام و الا اگر من خود را یا بند الفاظ پروگرام میگردم شاید خودم هم یک قسمت از مواد آنرا ناقص میدانستم و البته مثلاً در سیاست خارجی اکثراً بلفظ حفظ مناسبات حسنه با دول خارجی نمیگردم و یک توضیحاتی قابل میشد که شاید بعضی از آقایان رفقاء آن توضیحات را از من بخواهند اینجامیخواهم اصلاً مطلبی عرض کنم که شاید طرفدار داشته باشد من اصولاً منکر پروگرام هستم چرا ؟ به علت اینکه خودم در دوره های دوم سوم بمجلس پروگرامهای عهده با عبارات تشنگ و مشعشع دیدم و پس از آنکه در مجلس تصویب شد هم گوینده و هم شنونده آنرا فراموش کردند تکرار این قبیل موارد را نسبت به این پروگرامها دیر باور کرده است از این جهت خود را یا بند پروگرامها نمیکنم یک علت دیگر هم دارم و آن این است که کلیتاً بنده منکر پروگرام بطرز اروپا هستم در اروپا معمول است هر دولت که می آید مطالبی را در آتی می خواهد بوقوع عمل بگذارد در ضمن پروگرام خودش درج و مطابق عقیده اکثریت هیئت تقنینیه آن پروگرام تصویب یا رد میشود و دولت هم تکلیفش معین میشود ولی متأسفانه ما نمیتوانیم در مملکت خودمان آنطوری که اروپا و سایر نقاط دیگر معمول هست عمل کنیم زیرا که در اروپا رؤس مسائل اجتماعی تعیین شده و تألیف هیئت دولت معلوم است فقط در فرود است اختلاف نظر حاصل میشود و فرود پروگرام است که بایستی بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی در ایران بدبختانه این طور نیست هنوز احتیاج اولیه ملت ایران اداء نشده و از نقطه احتیاجات واقعی ملت ایران پروگرامهای مختلفه یکی خواهد شد ما چند ماده حیاتی بیشتر نداریم که بایستی بمجلس شورای ملی و تمام دولتها که آمده اند و می آیند در هر دور رسمی نمایند که از روی احتیاجات اصلی زندگانی ملت مواد پروگرام خود را تعیین نمایند البته برای این که واقف با احتیاجات مملکت بشویم بایستی فقط نظر مانرا بظهران معطوف داریم البته غیر از ظهران هم جاهای دیگر در مختلف ایران هست من میتوانم بجزئی بگویم که ظهران مظهر واقعی ایران نیست (گفته شد صحیح است) ظهران برای ایران یک مرکز مصنوعی است احتیاجات ظهران هم نسبت به احتیاجات ایران یک احتیاجات مصنوعی است ای کاش من میتوانستم وزراء و دولت را دعوت نمایم که علایا فکر از این مجوطه ظهران خارج میشدند و یک نظری بداهت و ولایات ایران می نمودند شاید یک قدری به بازار گانی ملت آشنا میشدند آنوقت در مقدرات ملت ایران حکمت میگردند ولی ظهران متأسفانه این حکمت موجود نیست در ظهران آن اطلاع و بصیرتی که باید از اوضاع ملت ایران باشد نیست واقماً از هر منصفی که به برسد

ملت ایران چه میخواهد جواب شما را چند کلمه بیش نخواهد گفت و جواب خواهد داد ملت ایران عدالت و ان می خواهد ملت ایران امنیت و کار می خواهد آنهم امنیت بمعنی خود یعنی امنیت مجدد و افراد ایرانی محتاج به امنیت جانی و مالی است محتاج بامنیت حیثیتی است و بالاخره محتاج بامنیت عمومی است که بمعنی وسیع این کلمه است و البته هر کس متعرض و مغفل این امنیت شود ملت ایران باو نظر خوش بینی نگاه نخواهد کرد از اینکه این امنیت بی مالی هروقتی از طرف دست راست و جزء ارتجاع تزلزل شود و یا اینکه از طرف دست چپ عناصر مفرط آزادی خواه فرق نمیکنند ملت ایران از هر دو منتفر است ملت ایران امنیت و عدالت و نان و کار می خواهد هر کس بآنها این اصول اولیه را بدهد خوب آدمی است او مورد توجه واقع خواهد شد اگر برود بولایات به قراء بفرزاع خواهد دید که واقماً دوست حقیقی ملت ایران کیانند گفتیم ملت ایران محتاج به کار است باز هم تکرار میکنم که ملت ایران محتاج بکار است آن می بینید جمیع مردم می خواهند داخل ادارات دولتی بشوند و این خود یکی از بزرگترین مشکلات اصلاحات اداری است کثرت تهاجم و ادولت طلب برای دخول در ادارات دولتی واقماً اصلاحات ادارات را تشکیل مینماید این تهاجم و ادولت طلبان برای چیست ؟ برای این است که مردم محتاج هستند برای اینست که مردم میخواهند زندگانی نمایند و بالاخره برای این است که مردم در این مملکت طرق دیگری برای زندگانی ندارند فقط برای تأمین معاش یک راه بیش نیست آن دخول در خدمات دولتی است و از طرفی هم دولت قادر نیست توجهات داو طلبان را اداء نماید دیگر اینکه ایران مملکتی است فلاحتی ایرانی بواسطه فلاحت خودش نیز زندگانی می نماید لذا بازار فروش لازم دارد و هر وقت که این بازار فروش از ملت ایران گرفته شود بازار تجارتی و فلاحتی ایران کساد می شود بالاخره روز بروز فقر و پریشانی در امروز ملت ایران بان مبتلا است زیاد تر می شود بعقیده من اولین وظیفه هر دولتی قبل از انجام هر وظیفه نسبت بملت ایران آن است که بازار تجارت فلاحتی ملت ایران را تأمین بکنند من شخصاً از این نقطه نظر خوشوقت هستم که کم - کم یک بازار تجارتی که از دست مارفته بود در تحت یک اصول معینی که امید واری می رود با مساعی جمیله دولت و مجلس شورای ملی وسائل باز شدن آن بازار تجارتی فراهم کرد و وزیرا یکی از شرایط حیاتی ملت ایران فلاحت است و اگر این مسئله از دست ملت ایران گرفته شود قطعاً دچار فقر و ورشکستگی عمومی خواهد شد بنده گفتیم که ملت ایران محتاج به امنیت و عدالت و نان کار است برای حفظ امنیت و عدالت چه چیز لازم است قوه و قدرت لازم است پس اولین قدمی که برای نیل باین مقصود باید برداشته شود قوه و قدرت است باید سعی شود که دولت صالحی تشکیل شود و باید سعی کرد که آن دولت مقتدر و توانا باشد که کاملاً بتواند از هر ج و مرج جلو گیری کند و قدرت آنرا داشته باشد که هر کسی

مطمان کند سر کوبی نماید از دزدان خیابانی و غارت گران شهری از تمدن داخل و خارج از رشوه گیری بای نحوکان جلو گیری کرده موجبات حفاظت ملت ایران را فراهم آورد این کار دو چیز لازم دارد یکی وارد کردن مجازات است در جامعه و دیگری ایجاد قوه نظامی است تا وقتیکه در هیئت اجتماع مجازات نباشد مصونیت نیست (گفته شد صحیح است) از این نقطه نظر از دولت حاضره تمنا میکنم که نسبت بمجازات ولو نسبت بجنایات و تقصیر است گذشته نزدیک هم بی قید نباشد

زیرا گذشته برای آتی سرمشق است تا وقتی که مادر گذشته مجازات را اعمال نکنیم یعنی یادش بد کار را بدی و نیک خواه را خوبی ندیم غیر ممکن است که یک کسی بخوبی تشویق شود و یا اینکه از بدی صرف نظر کند اول چیزی که لازم است وارد کردن مجازات است مطلب دوم قشون است و بعقیده من قشون امروز برای فقط مملکت ایران مقدمتر از هر چیز است من بقدری در موضوع قشون غلو دارم که می گویم دولت ایران و مجلس شورای ملی باید تمام مخارج زیادی را حذف کرده و هر چه پول پیدا می کند برای فرض تأمینیه خودش مصرف کند (گفته شد صحیح است) تا وقتیکه ما قشون نداشته باشیم ما یک ملت واحد ایرانی نمیتوانیم داشت و قشون باید داشته باشیم تا ولایات خود ما را بر کمر ببط بدیم قشون باید داشته باشیم که وقتی کنگل محمد تقی خانها بادولت باغی می شوند و می خواهند یک قسمت بزرگ ایران را هر ج و مرج کنند برخلاف آنتریک طرفداران طهران او سرشانرا بگویم قشون لازم است که وقتی میرزا کوچک خانها در کیلان طغیان کنند و طبل استقلال می کوبند بازم برخلاف ازاده و برخلاف طرفداران تهران سرش را بکوبند (گفته شد صحیح است) قشون قشون ۱۰۰۰ زور لازم است فقط قشون است که از تحمبات غیر مشروع اجنبی جلو گیری می کند ما باید تصمیم داشته باشیم که هیچ تحمیل را نپذیریم من معتقدم که ملت ایران باید باتمام دول روابط و دوستانه و حسنه داشته باشد ولی در همان آن که معتمد دولت و ملت ایران باید حقوق مشروع همه را حفظ کنند یک ذره تحمیل غیر مشروع اجنبی را نباید بپذیرد و در اینجا تکرار می کنم و بدولت حاضره تذکر میدهم که در هر وقتی که یک تحمیل غیر مشروع را بپذیرد ما در اینجا تکرار می کنیم مخالف او خواهیم بود گفتیم قشون لازم است و قشون باید تهیه کنیم برای اینکه قشون تهیه کنیم پول لازم است و آنهم از منافع داخلی چنانچه دیدیم توسل بایادات خارجی یک بدبختی برای ایران شده است زیرا در مقابل یک شرایطی که بدبختی ایران را افزون مینمورد و در مقابل یک شرایط ایران کشی و استقلال کشی با یک ثمن بخرس میدادند و بالاخره بنده عرض میکنم که دولت حاضره مخارج خودش را بواسطه ایادات داخلی مملکت میتواند تأمین کند لکن طریق آن چیست ؟

طریق آن جلوگیری از افراط و تفریط و ولخرجی و حذف ادالات زیادی، ندادن پول بیبکارها و منفعت جوارها حذف کردن اداراتی که حذف آن ها هیچ صدمه باحتیاجات مملکت وارد نیآورد و معتقد نبودن بداشتن یکمده وزارتخانه است کسی که پول ندارد و ممکن است چهاروزارتخانه نگاهدارد باقی را حذف کنند وزارتخانه که بتواند بوظائف خودش عمل کند فقط دیبرومامان و رئیس کابینه لازم دارد (فرض کنید وزارت فوائد عامه که فقط اسم است) یک همچو وزارتخانه را ما حذف می کنیم وقتی پول پیدا کردیم آنوقت دائر می کنیم پس برای اینکه ما بتوانیم مواجه با احتیاجات خودمان بشویم باید مخارج زیادی خودمان را حذف کنیم و این اصلی است که دولت باید اتخاذ کند تا اینکه بتواند بقصد برسد پس اگر از من بپرسند که پروگرام دولت چه باید باشد بنده عرض می کنم پروگرام دولت دادن کار و نان باهالی و استقرار عدالت و امنیت است و اگر این دولت بتیبه و آوردن بودجه قضی ثابت بمجلس موفق شود ما دیگر از این دولت توقعی نداریم شاید بعضی از آقایان بپرسند که تو گفتی باید به پروگرام و معتقد بودم آن نیست پس این حرفها چه بود ؟ عرض میکنم این اظهارات من از نقطه نظر مساعدت با پروگرام نیست و از نقطه نظر مساعدت بادولتی است که پروگرام را بمجلس تقدیم میکند و برای این که سوء تفاهمی نشود باید چند کلمه توضیح بدهم که علت مقرر فدراری ما از حکومت حاضره چیست درمندا کراتی که فعلابین خودمان جریان داشت بدولت حاضره گفتیم که ما مطرفدار اشخاص نیستیم و موافقت و مخالفت ما از نقطه نظر حزب و بغض باشخاص نیست از نقطه نظر اعتماد بعمل است هر کس خوب کار بکند ما مطرفدار او خواهیم بود هر کس موافق مصالح مملکت رفتار کند ما موافق او خواهیم بود هر کس مخالف مصالح مملکت کار کند هر قدر هم از نقطه نظر روابط شخصی در نزد ما عزیز و گرامی باشد ما متأسفانه با او مخالفت خواهیم کرد برای محفوظ بودن این اصل و بنام حق شناسی از گذشته و امید واری بآتی بادولت حاضره موافقت خواهیم کرد اما حق شناسی از گذشته بواسطه این است که اگر جمیع اعضاء دولت حاضر نباشند در هر صورت یک قسمت از اعضاء دولت حاضره در برانداختن حکومت سید ضیاء و آن حکومت خیانت کار این مملکت جدوجهد کردند و ما مجبوریم نسبت باین قسمت حق شناس باشیم و بادولت حاضره که مجلس شورای ملی را افتتاح کرده است موافق باشیم البته در این مملکت مخصوصاً در این پایتخت یکمده اشخاص هستند که منکر مجلس شورای ملی می باشند شاید در نظر منکرین مجلس شورای ملی بزرگترین خیانتی را که دولت حاضره مرتکب شده افتتاح مجلس شورای ملی باشد و شاید بواسطه همین مخالفت بمجلس است که باحکومت حاضره مخالفت می کنند ولی بنده داخل در هویت آن اشخاص نمی شوم که چرا منکر مجلس اند زیرا اشخاصی که منکر اصلاحات هستند البته منکر مرکز اصلاحات هم هستند ولی ماو کلا بمجلس باید از رئیس الوزرا حاضر منتون باشیم که پس از ۶ سال دوره فترت موفق بافتتاح

مجلس شورای ملی شدند این اظهار من اظهار فدراری است يك کار بزرگتر دیگر هم آقای رئیس الوزرا حاضر کرده است که آنهم شایسته تقدیر است . آقای رئیس الوزرا حاضر بالاخره خودشان موفق شدند که مستشاران مالیه را که بر ماتعمیل شده بودند از مملکت خارج نمایند اینهم در نظر نمایندگان نمایان خیلی قدر شناسی است و ما باید در مقابل این خدمت که آقای رئیس الوزرا کرده اند حق گذارایشان باشیم . آقای رئیس الوزرا يك خدمت دیگری هم کرده اید و ما نمایندگان خراسان بقدر سهم خودمان باید از شما تشکر کنیم و یقین داریم سایر نمایندگان هم از شما فدراری خواهند کرد (مسئله خراسان است) در طهران ممکن است در اطراف مسئله خراسان حرفهایی زده شود ممکن است باز ندای مظلومیت و حرفهای دیگری راجع بکنکند محمد تقی خان بگوش مردم خوانده شود ولی ما این نظر را نداریم و از شما بواسطه دفع کنکل محمد تقی خان تشکر میکنیم شما با ایجاد امنیت در یک قسمت بزرگ مملکت ایران موفق شدید که ممکن بوده بواسطه همین هوسرانی ها و ماجراجوییها اهالی بدبخت آنجا دچار خسارت فوق العاده شوند زیرا اهالی قسمت های دیگر مملکت بواسطه همین هوارستیا و ماجراجوییها دچار خسارات فوق العاده گردیده اند من از طرف نمایندگان خراسان و همچنین از طرف سایر نمایندگان از شما امتنان دارم که شما موفق برقع غائله خراسان شدید و امید وارم دریشت همین کرسی خطابه تشکر از رفیع غائله گیلان هم میکنم و در هر صورت این نکته را میخواهم عرض کنم که در غائله گیلان دولت حضرتعالی هم مثل سایر دولت ها افعال بشرایط صالح نشود زیرا بدانید که برای رفیع یاغی علاج بیش نیست و آن مشت آهنین است راجع بگذشته این علل مساعدت بنده بادولت بود و امید واریهای دیگر هم دارم که تا وقتی عمل تکذیب نکنند مجبورم بواسطه اعمال گذشته به آتی هم امیدوار باشم و البته آقای رئیس الوزرا خوب میدانند که موقعیت مملکت يك سلسله اصلاحات اساسی نه تنها اداری بلکه اصلاحات اجتماعی هم لازم دارد که اگر این اصلاحات بعمل نیاید ممکن است در آتی دچار يك اشکالات و خدای نخواستہ دچار مخاطرات شویم و چون میدانم ایشان هم همین عقیده را دارند امیدوارم در اجرای اصلاحات اجتماعی موفق شوند و در خاتمه بیانات خودم میخواهم چند کلمه دیگر تذکر بدهم همانطور که در جلسه خصوصی از طرف خود در قهای خود عرض کردم اینجام عرض خواهم کرد آقای رئیس الوزرا مادامی که شما در طریق اصلاحات بطریق خوبی مشی کنید در نزد ما عزیز بوده و قدر و منزلت خواهید داشت لکن یک چیز از شما عزیز تر است آن قانون و طریق اصلاحات و قانون است تا وقتی که شما در طریق اصلاحات و قانون بامامشی کنید دست بدست شما خواهیم داد و هر وقت منحرف شوید البته معفو خواهید فرمود ما دیگر دست بدست شما نخواهیم داد .

محقق العلماء - در موافقت عرض دارم موافق ؟

رئیس - آقای امین الشریعه شما بطور موافقتیدیا مخالف ؟
امین الشریعه - موافقم
رئیس - آقای مدرس ؟
مدرس - موافقم
رئیس - آقای اقبال السلطان ؟
اقبال السلطان - موافقم
رئیس - آقای تدین هم موافقتند ؟
تدین - بلی
رئیس پس مخالفی نیست . آقای محقق العلماء (اجازه نطق)
محقق العلماء - قیلا برای اینکه عرضم را تفهیم و سوء تمساح نشود این عرض را با کمال اختصار و واقفیت در تمهید اللقمه و بعد از مقدمه يك کلمه هم می گویم المقدمه دارم آقای آن چیزی که مقدمه رامعهد کند و تمهید اللقمه عرض کنم این است که بنده یکی از نمایندگان هستم که کمال امیدواری را باین هیئت کابینه محترم دارم و داخل در اشخاص می باشم که کائلا رأی بابقاع اعتماد باین هیئت دولت دادم اما میخواهم عرض کنم در سئوالات اخیر چه در دوره حکومت سفید و حکومت سیاه باحکومت سرخ که حالا انشاء الله باید با سرخ روئی دامن اصلاحات ایران را بکمر بزنند و اصلاحات بکنند زرم شده بود يك الفاظه مشعشع و یک بیان نامه شیرین و کلمات حال نشینی را در کاغذ نوشته و پیش مردم می آوردند و میگفتند این بیان نامه فلان رئیس الوزرا است در ضمن هم يك کلمات مشعشی داشت خیلی دلسوزانه بحال ملت ایران حالا هم يك پروگرامی از طرف دولت بمجلس تقدیم شده البته ما باین پروگرام و هیئت دولت معتقدیم بخصوص بنده میتوانم بگویم که مقام و کمالات آقای قوام السلطنه را از سابق زمان خبر دارم و در فارس هم بحال ایشان کاملا آشنا بودم ولی البته باید اینها در تحت يك عملیاتی بیرون بیایند که مردم بعد از این مدت دو سه ماه يك استفاده بکنند نه مثل اهالی فارس که صدایشان بنداست و فریاد میزنند و کلای پارلمان شما چه کردید ؟ فریاد در میان آتش تپیه است و صدای آنها شنیده میشود آنها فریاد میکنند چه کردید باید این مطالب باسرع اوقات اجراء شده و موقع عمل گذارده شود این پروگرام دولت را هر کسی ببیند میتواند منکر شود کدام يك از این مواد بد است بنده عکس آقای سردار معظم که فرمودند سالهای پیش در مجلس فقط گفتگو دراصل پروگرام میشد بنده میگویم کلی طبیعی تحقیقش بوجود افراد است این مواد بتزلزله این کلی طبیعی است کلی طبیعتش پروگرام است و این مواد در تحت این پروگرام میباشد این مواد موادی است که باید در طریق گفتگو شود ولی بطریقی الا هم فاله هم آن چیزی که امروز اهم است این است که باید يك نظری بتمام ایالات و ولایات ایران بدهات ویران شده و مردمانی که سائر عورت ندارند نموده هر کسی در قراء و قصبات خطه فارس رفته میتواند بفهمد واز آنها به پرسد حالا که

مجلس تشکیل شده و چنین هیئت دولتی با کمال دلسوزی روی کار آمده و اصلاحات مملکت را عهده دار شده چه میخواهد به اینکه يك ماه تمام مجلس در هر يك از مواد پروگرام مذاکره کنند بعد از یکماه یاچهل روز که در مواد این پروگرام مذاکره شد و رأی داده شد و تازه دولت داخل در اجرای يك يك مواد پروگرام بشود این ترتیب نه برای دولت و ملت نه برای آسودگی دل مردمی که از اطراف متوجه اند به بینند مرکز و این هیئت دولت و این نمایندگان برای آنها چه میکنند نتیجه تسریع نمیدهد پس عرض من این است که باسرع وقت مواد این پروگرام باید اعمال شود و خاتمه هیئت دولت يك توجهی به اهالی فارس بکنند که دارند میسرزند .

رئیس - چون مدتی است مجلس تشکیل شده و عده هم کافی نیست اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود .

(در این موقع نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً مجلس تشکیل گردید .)

رئیس - چون سابقاً که اعلام شد کمسیون خارجه و پست و تلگراف انتخاب شود فراموش شد مستخرجین آراه را تعیین کنیم عده مستخرجین تعیین میشوند و در موقعی که مشغول مذاکره پروگرام هستم آقایان يك بيك بیرون تشریف میبرند اعضاء کمیسیونها را انتخاب میکنند کمیسیون خارجه شش نفر کمیسیون پست و تلگراف هشت نفر ولی از آقایان خواهش میکنم که بیرون تشریف برند دیگر آنجا نمائند تشریف نیآرند که مجلس از اکثریت نیفتد (آقای سهام السلطان شروع استخراچ نموده و آقایان ذیل بحکم قرعه معین شدند)

آقای آشیخ ابراهیم زنجانی - آقای فهیم الملک ،

رئیس - پس با آقای سهام السلطان بیرون تشریف ببرید و مشغول بانتخاب بشوید آقای محقق العلماء راجع بنطقشان يك جزئی توضیحی دادند توضیح میدهند بعد سایر آقایان مطالبشان را اظهار مینمایند .

محقق العلماء - عرضم از حکومت سفید و سیاه وغیره اولای بیان الفاظ مترادفه بود و دیگر از این حیث بود که ما فارسیها بهترین مدبوح خودمان را بکل سرخ تشبیه میکنیم باین مناسبت حکومت سرخ عرض کردم در خصوص توضیح راجع بفارس هم که عرض کردم يك پارچه آتشی است خود آقایان نمایندگان محترم و هیئت دولت میدانند که يك آبادی و آتشی که در فارس میباشد که اگر قوای محلی نمی بود آتش فارس خیلی بر افروخته شده بود .

رئیس - آقای تدین (اجازه نطق)

تدین - بنده قیلا اظهار اعتماد خودم را به آقای رئیس الوزرا کردم و الا ن هم در همان اعتماد هم نسبت بایشان وهم نسبت بسایر آقایان وزرا باقی هستم ولی نسبت باین پروگرام حاضر نظریاتی دارم و آن عبارت از این است که این پروگرام بعقیده بنده نا تمام است و لازم است بعضی موضوعات کلاما مورد توجه دولت و هیئت دولت واقع شود از این پروگرام هم اشاره بانها نشده است آقای سردار معظم اظهار فرمودند ملت ایران محتاج به چهار چیز است بنده هم تصدیق میکنم

و موافقم و آن چهار چیز عدالت ، امنیت ، و نان و کار است . در موقع شماره البته چهار چیز است ولی بعقیده بنده این چهار چیز منتهی بيك چیز میشود و اصل عدالت است . . .

سر داریه عظیم - امنیت .

تدین - امنیت هم از لوازم عدالت است عدالت حق را بحق رسانیدن است قانون اساسی حقوقی برای ملت ایران تعیین کرده و از جمله ملت ایران را در تاسیس بعضی مؤسسات و دراصل مقدرات خود و مملکتشان شرکت داده است آن مؤسسات عبارت است از انجمن های ایالتی و ولایتی ؛ فایده انجمنهای ایالتی و ولایتی باندازه واضح است که محتاج نیست بنده زیاد توضیح بدهم سابقاً بعد از آنکه قانون انتخابات اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی از تصویب مجلس گذشت در بعضی نقاط ایران بتاسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی شروع شد ولی بطور ناقص متأسفانه بمد طوری شد که این موضوع به موقع اجراء گذاشته نشود اهالی هر ایالت و ولایت مطابق آن حقوقی که قانون از برای آنها تعیین کرده است در تصفیة او رات محلی خودشان حق شرکت دارند و امروز که مجلس شورای ملی دایر است و رسماً اظهار اعتماد به هیئت دولت می کند . البته تمام ملت ایران می خواهند ببینند این حق را بالاخره مجلس بموقع اجراء خواهد گذارد و انجمنهای ایالتی و ولایتی را تاسیس خواهد کرد یا خیر بنده با رعایت اطراف این کار و با ملاحظه موقعیت امروزه این مملکت البته لازم می دانم که هیئت دولت عطف توجه خاصی مبذول داشته و این قسمت یعنی تاسیس انجمن های ایالتی و ولایتی را از جمله مواد پروگرام خودشان قرار دهند و چون در این پروگرام اسمی از ماده نشده بود باین جهت بنده لازم دانستم بایشان تذکر بدهم و بعد هم تقاضا کنم که این موضوع بخصوص جزء مواد پروگرام هیئت محترم دولت شود

دیگری که بنظر بنده خیلی اهمیت دارد و بلکه در درجه اول از اهمیت است موضوع مطبوعات است مطبوعات مقام عالی و ارجمندی را در مملکت که انسان می تواند در طی يك عبارات مختصر ادا کند قانون اساسی آزادی مطبوعات را معتقد شده و برطبق آن يك قانون مطبوعاتی نوشته شده است ولی این قانون مطبوعات يك چیز دیگر هم لازم دارد و آن عبارت از محکمه مطبوعات و تشکیل هیئت منصفه است بواسطه نبودن محکمه مطبوعات و بیبودن هیئت منصفه که قانون اساسی حضور آنها را در محکمه مطبوعات معنی کرده است مطبوعات از آن مقام عالی خودشان تنزل کرده اند مطبوعات باید تاثیرات شدید در روح يك ملت و مملکت داشته باشد ولی بواسطه بیبودن يك محکمه که از هر ج و مرج مطبوعات چلو گیری کنند و رسیدگی نمایند متأسفانه آثاری که مترتب بر مطبوعات است از بین رفته و بنده چون فوق العاده علاقه مند هستم که مطبوعات ایران دارای مقام عالی و ارجمند باشند با اینکه هر

مطلبی که در مطبوعات درج میشود دارای اهمیت بوده و اثر مخصوصی داشته باشد باین جهت استدعا دارم که هیئت دولت اهمیت قانون مطبوعات را در نظر گرفته و آنرا جزء مواد عملی پروگرام خودشان قرار دهند موضوع سوم که بعقیده بنده حافظ تمام اصول اداری و اجتماعی يك ملك و مملکت است که آقای سردار معظم هم ضمناً بآن اشاره کردند مسئله مجازات است . مجازات لازم است تا مجازات نباشد امور هیچ اداره مملکت صحیح و مرتب نمیشود اگر مجازات در این مملکت در کار بود هر کس با يك خیالات و هوسهای طفلانه اقدامات کوچک یا بزرگ بر ضد اساس حکومت ملی نمی کرد یعنی يك اصل مجرزی است که تمام این اصلاحاتی که هیئت محترم دولت میخواهد موفق شود که بوقع اجراء بگذارد بدون مجازات ممکن نیست البته هیچ حکومتی از صورت وجود يك مجازات که از روی قانون بوده و با پروگرام مرتب نوشته شده باشد تمديات و تجاوزات نخواهد کرد بنا بر این برای حفظ تمام اصولی که ذکر کردم تهیه قانون مجازات لازم و چون در پروگرام هیئت محترم دولت ذکری از تهیه قانون مجازات نشده است بنده لازم میدانم قانون مجازات را تهیه فرمایند و بعد از آنکه بمجلس آمد و تصویب شد فوراً بموقع اجراء گذارند تا تکلیف خادم و خائن و متجاوز کاملاً تمیز داده شود پس بنا این مقدمات خلاصه عرایض بنده این است .

- ۱ - تاسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی
- ۲ - تاسیس محکمه مطبوعات و تشکیل هیئت منصفه
- ۳ - تهیه قانون مجازات (در این موقع نصیر دیوان از مجلس خارج شدند)

رئیس - آقا بیرون تشریف ببرید عده کافی نیست

نصیر دیوان - میخواهم رأی بدهم

رئیس - رأی می دهند و دیگر تشریف نمی آورند .

مجلس تعطیل می شود . آقای امین الشریعه (اجازه نطق)

امین الشریعه - بنده که يك نفر و کبل هستم واز راه دور این جا برای ادای وظایف کالتی خودم آمده ام در صفحه سیاست بوجه سفید باشخاص می - نکر مگر اینکه بعد خلاف آن ظاهر شود و چون در مجلس سابقه ندارم و بسختی فهمم معتقد نیستم و اشخاص را بعمل در آتی می شناسم باین جهت باین پروگرام دولت حاضره موافقم و جهاش را هم علی الاجمال ذکر می کنم مقدمتاً عرض می کنم اینست که گفته میشود این پروگرام ناقص است و ضایعی باید داشته باشد باینهم مخالفم بواسطه اینکه تصدیق خواهید فرمود که این مجلس دوره چهارم مثل مجالس سابقه نیست چرا که تاسیس و تشکیل بطور فوق العاده پیش آمده است و نظریاتی پیش آمده تصدیق خواهد شد که این مجلس از مجالس و نعمت غیر مترقبه فوق العاده است و نباید محالاً این مجلس را داشته باشیم موقعیت مملکت

ایران هم موقع فوق العاده است و همچنین سیاست دنیا و موقعیت دنیا هم فوق العاده است پس این مجلس فوق العاده در دنیا فوق العاده است با سیاست فوق العاده باید یک کارهای فوق العاده هم کند.

بنده حقیقتاً معتقدم می گویم اگر مجلس بخواند همش را بایک نحوه بی اهمیتی صرف وضع قوانین و تنقیح لوایح و این قبیل کارها کند از آن اصولی که این قوانین فروع بر آنهاست باز خواهد ماند و نفی الصیف ضمت البین خواهد بود پس امروز الامم فالامم زایش گیریم و باید تشخیص دهیم اهم ام چه چیز است که آنرا پیش گیریم بنده می گویم جامعه هر ملتی در هر مملکتی واقع شود آن مملکت حکم خانه او را دارد اولاً بالذات باید فقط اختیارات خود را بکند که در آن خانه مغنار باشد به چه نحو؟ به نحوی که در تشکیلات و انتخاباتش دور هر یک از او اساس مملکتی قائم بالذات باشد و مصالح مملکتی خود را بدون نظر بر جانب این و آن عمل کند و اگر نشد و این موضوع از میان رفت وضع قوانین کار مهمی و بی اساسی است این اول قدم است بعد از آنکه یک ملتی در مملکت خودش این اختیار را حفظ کرد آن وقت در قدم ثانی وارد می شود به اصلاحات اساسی اصلاحات هم فرع بر حفظ اختیارات اولیه است حالا به بنیم اصلاحات اساسی چیست و اهم مواد کدام است؟

اهم مواد که یک ملت در سایه آن زندگی کنند چیست؟

البته در موقع کسب هر حاجتی از غیر ممکن است مقاصدی ترزیق و ابقاء شود پس ما باید فقط و فقط راه رفیع حوائج خانرا بکنیم و آن بیرون آوردن ثروت است که بتواند رفع حوائج ملت را بکند تا در سایه او از هر گونه تشنگی و هر گونه تقاضا ها که اطمه باختیارات او وارد میکنند محفوظ ماند پس بنده معتقدم باین که امروز بعد از نظر تام در ترتیب حفظ ثروت موجوده که عبارت از مالیاتهای است که از افراد ملت می گیرند و نمیدانم نصف یا ثلث آنرا بگویم بکجا میرود و علی الاجمال می توانم بگویم که آنچه از ملت گرفته می شود به صرف جامعه ملی نمیرسد و باشخاص معین عاید میشود پس بعد از این ثروت موجوده و حفظ آن بانظر تشکیلات اداری به نحوی که مصون از حیف و میل شود مادام العمر از این است که حفظ ثروت بالقوه را بنشیند اگر آقای رئیس الوزراه با یک شجاعت و یک مردانگی فوق العاده چنانچه عرض کردم مجلس فوق العاده سیاست فوق العاده البته باید رئیس الوزراه هم فوق العاده باشد و بی مردانگی بیایان بگذارد این ثروت بالقوه مملکت را بیرون آورد تا معلوم شود در آن چه فوایدی محتوی است که همه میدانند اقلش رفع حوائج دولت و رفع گدائی ملت و خاتمه دادن به بیکاری های مملکت است و بهر وسیله از وسایلی که مقرون باشد وحشت نداشته باشد از این که بکمیانی های ناز بگوید دوست و سیدم کرور لازم است اگر این قدم را برداشت و این عمل را بمنصه ظهور آورد مامعی الخلقه میدانیم و میگوئیم لایق است که چه مسه اش ریخته شود و عقیده من هیچ اقدام دیگری قابل مذاکره نیست زیرا که حیثیات و بقای مملکت بسته است بحفظ این ماده که عملی شود و آن ساعتی که دولت حاضر شد با یک شجاعتی دست بکمر زده داخل کار شود همان ساعت دندان طمع تمام اشخاص از خانه ما کنده میشود؟ برای اینکه مارا غیر محتاج میدانند و تاحال آنچه بر ما تعمیم کرده اند از راه احتیاج ما بنوبه است و آنچه بر ما فشار آورده اند من باب حاجت بوده خون مارا در شیشه میکنند و ما مجبوریم برای حفظ حیات خود عقب آنها برویم و آنچه از ما می خواهند اگر همه را ندهیم مجبوریم نصف آنرا بدهیم پس ای اشخاصیکه دلبستگی باین مملکت دارید بگوئید از این راه تا استقلال ابدی برای این تحصیل کرده باشید استقلال جدی نه استقلال کاغذی خلاصه اینکه بنده معتقدم به این ماده آن مواد و اصل الاصول میدانم و رئیس الوزرای مملکت را اگر در هیچ چیز جز این ماده داخل نشود و اجرا کند قابل ستایش میدانم.

این را باید تشخیص داد و عمل کرد بنده عقیده ام این است که هیچ ملتی نمی تواند زندگی کند مگر در سایه علم و ثروت موجب زندگی هر ملت است و این دو چیز بایکدیگر ملازمه دارند ثروت که تحصیل شد سرمایه تحصیل علم است علم که تحصیل شد موجب پیدا کردن ثروت است مملکت باین دو قوه گردش می کند پس بنده معتقدم باینکه باید اول ثروت را منقسم به دو قسمت کنیم ثروت موجوده محفوظ نمی ماند مگر به اصلاحات آزادی و اقداماتی که دولت در حفظ عایدات در نظر گرفته و در پروگرام نوشته البته محتاج به تنظیمات اداری و قانون استخدام مجازات است که بکنفر مأمور اولاً بدانند که در پشت یک میز می نشینند هیچ احدی نمی تواند او را بلند کند مگر قانون بنده معتقدم که اگر یک مستخدم دولت به بقای خود در کار اطمینان داشته باشد دیگر دزدی نمی کند ولی وقتیکه خودش را مختار نمی داند و حقوق مکفی هم ندارد که معاش خود را اداره کند البته متشبت باین دسائس می شود ما باید بفهمیم ثروت موجود که ما داریم مارا بآن مرام اصلی که در حقیقت مختار بودن در حفظ مملکت مان است میرساند یا خیر؟ بنده عرض می کنم نمیرساند فقط کاری که میتواند بکند خرج ادارات را براه بیندازد ولی برای حفظ استقلال مملکت کافی نیست و تصدیق خواهید فرمود اهل هیچ خانه محفوظ نمی ماند مگر وقتی که حاجت بغیر نداشته باشد که از او رفع حوائج بکند آن وقت اختیاراتش مصون و مطلق بیل خود بماند

رئیس الوزراء - بنده قبلاً اظهار تشکر می کنم از نیک بینی که آقایان نسبت بسدولت حاضره فرمودند البته وظیفه دولت اجرای خدماتی است که در نظر گرفته و از این حیث منتی بر کسی ندارد و تا این دولت باقی است البته در خدمات خود قصور نخواهد کرد ولی بعضی آقایان یک اشتباهی در ضمن فرمایش

خود کردند که لازم شد عرض کنم نماینده محترم آقای فهمی - الملك اعتراض میفرماید که خوب است دولت عطف نظری باجرای قوانین است بکنند البته هر دولتی نظرش باجرای قوانین و لکن بایستی از این نظر هم غفلت نکند که متأسفانه بعضی از قوانین طوری وضع شده که دولت در اجرای آن دچار اشکالات میشود میخوانم عرض کنم چه قوانین وضع شده که هنوز قابل اجرا نیست ولی همین قدر اجالا آقایان را متذکر می کنم که خیلی قوانین وضع شده است بدون این که مقتضیات مملکت در آن رعایت شده باشد ولی امیدوارم که در این دوره چهارم تقنینیه میل دولت و نمایندگان محترم این باشد که حتی الامکان قوانینی وضع شود که اصلاحات مملکت در او منظور بوده و قابل الاجراء باشد و حرف پرنسب و ثنوری) نباشد باز آقای فهمی الملك میفرماید آنچه نوشته شده است در عداد مرام است تصور میکنم یک قدری بی انصافی کرده اند و شاید آنچه را ایشان مرام میدانند من جزء قوانین و اجرائیات بدانم نمی خواهم در این جا زیاد طول کلام بدانم ولی اگر قدری توجه کنند خواهند دید که تکمیل امنیت جزء مرام نیست و انتظار نداشتم ایشان آنرا جزء مرام بدانند زیرا امنیت چیزی است که هر دولت باید برای آن با کمال جدیت اقدام کنند امنیت در مملکت یک وظیفه است که اگر دولت در آن قصور کند از انجام وظیفه خودش قصور کرده یا اگر بگویند اصلاح بودجه در مملکت جزء مرام است البته تصدیق خواهید کرد که جزء مرام نیست (گفته شد صحیح است) یکی از مسائل حیاتی اصلاح بودجه مملکت است بدون اصلاح بودجه مملکت زندگی ما مشکل خواهد بود در این صورت البته جزء مرام نیست لازمه حیات مملکت است راجع باظهارات ایشان همینقدر ایشانرا متوجه میکنم که در پروگرام توجهی فرمودند ملاحظه فرمایند که آنچه در آن گفته شده جزو عملیات است نه جزو مرام آقای سردار معظم با یک بیانات وافی و فصاحت آمیزی که اعتماد قابل تقدیر ایشان را بدولت معین مینمود بعضی اظهارات کردند تقریباً از همین قبیل بوده فرمودند عبارات پروگرام نافع است البته شاید بیان من ناقص بوده ولی اینست اجرای عدالت اصلاح بودجه استخراج منابع ثروت مملکت و اصلاح طرق و شوارع و همچنین چیزهای دیگر که در پروگرام نوشته شده است چیزهایی است که قبلاً دولت در نظر گرفته که در این دوره اصلاحات را تقدیم بدارد و اگر آقایان نمایندگان مقتضی در این مواد به بینند البته توضیح خواهند داد و دولت هم بحسن قبول تلقی خواهد کرد ولی لازم نیست آنچه را که دولت در نظر گرفته و بایستی در مملکت اجرا شود تمام را در پروگرام خودش ذکر کند ممکن است بعضی مطالب طرف توجه دولت واقع نشده و بعد طرف توجه واقع شود و یا اینکه بعضی از آقایان نمایندگان پیشنهاد کنند دولت قبول کند.

در مقدمه پروگرام گفته ام با تجار بی که از دوره های سابق پیدا کردم باید اصلاحاتی که در نظر است

باموافقت بین نمایندگان هیئت دولت بوقوع عمل بیاید امیدوارم با این وحدت نظری که بین آقایان نمایندگان دولت موجود است تمام نظریاتی را که عرض کردم قابل اجراء باشد ولی از یک اظهار آقای سردار معظم خیلی متأسف هستم که در ضمن بیانات خودشان فرمودند وزارت فواید عامه لازم نیست و باید حذف شود تصور می کنم کارهای همده که باید بشود راجع باین وزارتخانه است شاید عباراتی که بیان کردم قدری ناقص باشد ولی اگر در پروگرام درست دقت کنند خواهند دید بیشتر اهمیبتش که در پروگرام داده شده راجع بوزارت فواید عامه است

زیرا اصلاح طرق و شوارع ایجاد و استخراج منابع ثروت مملکت و بعضی فواید مهم مملکت راجع باین وزارتخانه است و چنانچه بعضی از آقایان در بیانات خودشان اظهار کردند اصلاحات طرق و شوارع و استخراج منابع ثروت مملکت لزوم حتی دارد و شاید آقای سردار معظم هم با ایشان هم عقیده باشند حالا می فرمایند این وزارتخانه غیر لازم است من با نظریه ایشان اگر حقیقت داشته باشد مخالفم البته می دانند در هر جا بهر کاری بیشتر اهمیت میدهند برای آن کار وزارتخانه تأسیس می کنند مثلاً اگر در یک مملکتی وزارت مهمات نداشته باشد یک موقع پیش می آید که با آن وزارت خانه محتاج می شود چون دولت در نظر دارد بکارهای فوق الذکر بیشتر از همه اهمیت دهد لذا وزارت فواید عامه را در اول پروگرام مطرح کرده است شاید آقای سردار معظم در بودجه آن وزارتخانه نظری داشته باشند گمان نکنم بودجه آن هم بشود باز همان بودجه را خواهد داشت و البته برای حقوق یک وزیر و یک معاون یک همچو دقت نظری غیر لازم خواهد بود

آقای نماینده محترم معق الملماه در ضمن بیانات خودشان راجع بوضعیات فارس که ادا فرمودند ضمناً یک صبارتی بیان کردند فارس را بیک آتش سوزانی تشبیه کردند تصور می کنم این ناشی از یک حرارتی است که در ایشان فوری و آنی ایجاد شد و الا وضع فارس بطوری که ایشان اظهار فرمودند نیست و اگر یکی دو فقره سرقت واقع شده باشد نباید باین طور تعبیر بشود و بعلاوه اگر فراموش نکرده باشند یک ذکر می هم از بعضی دسائس کردند که آنرا هم تکذیب میکنم و گمان نمیکنم دسائسی در فارس بشود که بر خلاف امنیت و انتظام مملکت باشد آقای تدین راجع بلزوم و پیشنهاد قانون تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی اظهار فرمودند دولت در تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی ترتیباتی در نظر گرفته که در آن خصوص مطالعاتی کرده و پس از آن به مجلس پیشنهاد نماید و اما راجع بقانون و مطبوعات و اظهاراتی که راجع بمطبوعات کردند در صورتی که مجلس موافق باشد لازم بدانند تجدید نظری در آن بشود البته دولت هم استقبال خواهد کرد راجع بقانون مجازات اظهاراتی شد در غیاب مجلس قانون مجازاتی وضع شده است همچو نیست که مجازات بدون قانون باشد مستثنی

از تصویب مجلس نگذشته است و دولت مشغول است در این باب يك مطالعاتی بکنند و لایحه قانون مجازات را به مجلس پیشنهاد کنند در خانه باز امیدوار هستم با اظهار موافقتی که از طرف نمایندگان نسبت به بیست دولت می شود دولت هم میتواند موفق بانجام وظایف خود بشود.

رئیس - گمان می کنم مذاکرات در کلیات کافی باشد.

سردار معظم - بنده می خواهم توضیح بدهم زیرا در فرمایش بنده سوء تفاهم شده است.

رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا خیر؟

سردار معظم - اگر در بیان نماینده سوء تعبیر شود و برخلاف مقصود او تعبیر شده باشد باید توضیح بدهم.

رئیس - توضیح میخواید بدهید؟

سردار معظم - بله.

رئیس - بفرمائید.

سردار معظم - گویا بنده مطلب خود را بد ادا کردم بنده اعتراض این نبود که موادی پروگرام ناقص است.

بلکه بسکس عرض کردم این مواد زیاد است و عرض کردم اگر بنا شود پروگرام دولت موجب کار و نان و عدالت و امنیت را برای ملت ایران فراهم کند همین مواد برای پروگرام کافی است حالا هم تکرار می کنم. بعد گفتیم اگر دولت برای رسیدن باین مقصود موفق شود که واقعاً و جفاً بودجه مملکت را اصلاح کند خدمت خیلی شایانی بملت کرده است و اگر بسایر مطالب موفق نشد من بقدر سهم خود دولت را قاصرو مقصر نمی دانم اما راجع بوزارت فواید عامه بنده نظر بآن وزارتخانه تنها نداشتم ممکن است از این قبیل دوسه وزارتخانه دیگر پیدا کرد.

من می گویم اول باید موجبات کار را فراهم نمود و بعد وزارتخانه تشکیل کرد و چون نظامی هستم اینطور مثل میزنم که اگر دولت بولی پیدا کرد اول باید یک گروهان تشکیل دهد بعد یک باطالیون بعد یک فوج بعد اگر زیادتر اهمیت پیدا کرد وزارت جنگ تأسیس کند ولی بعضی ممکن است مخالف این عقیده باشند و بگویند اول باید وزارتخانه تشکیل داد بعد اگر پول پیدا شد یک گروهان تأسیس نمود و باز اگر پول پیدا شد گروهان دیگر من می گویم ما پول نداریم راههای ساخته خودمانرا تعمیر کنیم مادامی که یلهای چوبی ما همه خراب است و نمی توانیم تعمیر کنیم در این صورت وزارت فواید عامه لازم نیست و باید وزارت پست و تلگراف و فواید غیره تمام را یکی کرد و یک وزیر برای او تعیین نمود این است نظریه بنده و آن را علمی تر می دانم من تصور می کنم اگر یک پولهای در این مملکت پیدا شود ابتداء باید این راهها را تعمیر نمود و بعد وزارتخانه تشکیل داد این بود عرض من فعلا اصرازی هم در رد و قبول آن ندارم و ممکن است در موقع دیگر یعنی در موقعی که بودجه مجلس فرستاده

می شود در آن وقت عرایض خود را عرض کنم البته اگر مجلس شورای ملی بودجه يك وزارتخانه را تصویب نکرد خود آن وزارت خانه قهراً از بین میرود ولی فعلاً نگاه داشتن و نگاه نداشتن و تأسیس وزارتخانه ها اختیاراتش بارتیس دولت است منتهی یادآوری می کنم که گاهی شده است بالمنطق لزوم تجارت و فلاحات معهدا با پست و تلگراف و فواید عامه هم يك وزارت خانه بوده است.

رئیس - برای این که نظریه خودمان را تعقیب صکرده باشید باسم توضیح نطق مفصلی کردید.

سردار معظم - چون در نطق بنده سوء تعبیر شده بود مجبور بودم توضیح بدهم.

رئیس - ماده ۱۰۹ را قرائت کنید یا معنی توضیح را بدهید. آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس - اگر چه مجلس خیلی طول کشیده است لیکن از آنجا که جنگ اول به از صلح آخر است مطلب را باید ختم کنیم اولاً شخصاً من باشخص آقای رئیس الوزراه و بایرو گرام ایشان مخالف نیستم و لکن عرض می کنم این پروگرام و همچنین فرمایشاتی که آقایان و کلاه کردند که متعلق به پروگرام بود هر دو مرام است. اغلب آقایان مطالب خوبی که بود همه را فرمودند و برای من چیزی باقی نگذاشتند بنده تخمیناً ۲۲ پروگرام در اینجا دیدم تمامش مرام بوده و این پروگرام خودتان که پروگرام آقای رئیس الوزراه باشد بعقیده من مرام تراست و همچنین اظهاراتی که آقایان و کلاه در موافقت آن میفرمایند مرام است چرا هر دو مرام است؟ برای اینکه هیچ رئیس الوزرائی در پروگرام خود مواد بنی نینویسد والا خدای نکرده باید سلبه اش کج باشد هر چه هر کسی می نویسد خوب مینویسد و لکن متأسفانه اجراء نمیشود آیا همیشه در کجا است عیبش از وزراه و کلابی است که مثل بنده می باشند البته اگر بنده خارج از پروگرام عرض بکنم آقای رئیس میفرمایند خارج از موضوع است چرا پروگرام های دولت در این پانزده سال اجراء نشده برای اینکه ما و کلا وقتی که اظهار اعتماد بر رئیس الوزراه می کردیم اعتماد اشخاصی که مثل من بودند از روی حقیقت نبود اگر از روی حقیقت بود بهانه جوئی از یکدیگر نمی کردند و تمام قوانین اجرا شده بود انقلاب هم از مملکت ما رفع شده بود ۱۵ سال است مملکت در حال انقلاب است و روز بروز انقلاب بیشتر میشود پس ملامتی نیست اگر گفته بشود این پروگرام مرام است باید فهمید چرا پروگرامها اجرا نمیشود؟ جهتش اینست که دولت دوام نمیکند دولت چهار ماهه و سه ماهه يك كمك پروگرام نمیتواند اجراء کند؟ بالا تر از این میگویم اگر خدای بفرماید هم معیوت کند نمیتواند احکام خود را در سه ماه اجرا بکند پس علاج این مسئله را باید کرد اگر چه آقای رئیس الوزراه فرمودند مرام نیست و موادی که در این پروگرام نوشته شده خیلی سهل است و اجرا هم میشود یکی از آقایان فرمودند وضعیت دنیا سخت

شده است بنده اگر چه داخل در سیاست نیستم ولی عرض میکنم در این عمری که داشته ام دنیا هیچوقت بهتر از امروز نبوده است چه برای سیاست خارجه چه برای کار کردن در داخله پس يك چیز لازم است تا مرام بفعل برسد و آن فقط موافقت مجلس شورای ملی است. یادولت برا اینکه رجال مملکت اغلب یکدیگر را شناخته اند از برداشتن این و گذاردن آن نفعی حاصل نمیشود اگر تغییر هیئت دولت و تغییر کابینه مملکت اصلاح میشد حالاً ما باید از تمام دنیا جلو افتاده باشیم رجال مملکت تفاوت ندارند هر کدام متناسب وقتی هستند بنده به چه لحاظ عرض کردم آقای قوام السلطنه برای امروز خوب است زیرا تا شنیده بودم قوام السلطنه را شخص فعالی شنیده بودم پس انشاء الله الرحمن همین رئیس الوزراء با موافقت مجلس شورای ملی همین مرام را بغلیت می آورد و گمان میکنم با موافقت مجلس شورای ملی هم آقای فهیم الملك و هم آقایان دیگر و هم بنده همه اقرار کنیم مرام نیست اما اگر فردا خدای نخواست يك واقعه برپا شود خواستیم بهانه جوئی برای دولت بکنیم آنوقت این پروگرام مرام است و اینکه آقای محقق العلماء فرمودند فارس آتش سوزان است شاید يك وقتی آتشکده داشته و آتش بوده بهرحال مجلس خیلی طول کشیده و همه آقایان کسل شده اند همینقدر عرض می کنم که آقایان وزراء و رئیس الوزراء را خوب میشناسیم و کار کردشان را هم دیده ایم باید اول تصمیم بگیریم که بهانه جوئی نکنیم ایشان هم تصمیم نفرمایند ملاحظه کاری و باصطلاح عوام فریبی را کنار بگذارند و شجاعانه هم و کلاعهوم دولت مشغول کار شوند و انشاء الله این مرام و مطالب بالاتر از این مرام را بموقع اجرا بگذارند و عقیده شخصی من این است که اگر دولت مشغول عملیات شود چه در سیاست داخله و چه در سیاست خارجه البته پیش میرود پس ما باید بیاییم و يك دولتی را قریباً آلی الله دو سال یعنی دوره تقنینیه نگاه داریم ولی اگر عقیده مان اینطور باشد که اگر امروز آقای قوام السلطنه با من موافق باشند من هم با او موافقم و اگر فلانطور کرد منم میکنم با اینحال البته مرام است و یکقدم بر نخواهیم داشت مگر اینکه نقطه نظر هر دو صلاح مملکت باشد و تصمیم بکنیم که اگر ناملامی هم دیدیم تحمل بکنیم و کاریکه در این پانزده سال نکرده ایم و مملکت را باین روزگار انداختیم بکنیم و بانقلاب و هرج و مرج خاتمه دهیم زیرا از روی تجربه می بینیم هر چه کردیم نشد موافق مرام کابینه تشکیل دادیم شد. قوانین نوشتیم اجراء نشد. حالاً می آیم این يك تجربه را که نکرده ایم بکنیم و ناملايمات يك دولت را متحمل شده آن دولت هم ناملايمات ما را متحمل بشود. و دو سال او را دوام دهیم اگر واقعا این هم نشد آنوقت در حقیقت عرایض من بيك معنی موافق و بيك معنی مخالف فرمایش آقایان خواهد بود.

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - بنده بنوبه خود اظهار قدر دانی از شخص اول دولت میکنم که خاتمه بیجران داده و کابینه خود را تشکیل و به مجلس شورای ملی معرفی

کردند پس از ذکر این مقدمات لازم است مختصری عرض کنم ولو مخالفت با همکار محترم آقای سردار معظم کرده باشم ایشان در عدم حاجت وزارت فوائد عامه شرحی فرمودند بنده از يك نقطه نظر با ایشان موافق و از نقطه نظر دیگر مخالفم. با آن نظری که مخالف هستم این است که با احتیاجات امروز عموم ملت که همه چیز باید از خارجه بایران بیاید از شیشه لامپ گرفته بامنسوجات و غیره شاید بوسیله وزارت فوائد عامه يك کارخانه در ایران ایجاد شود که رفع احتیاجات بشود من نمیگویم کارخانجات مهمه بیاورند بلکه کارخانجات كو ك از قبیل کارخانه کاغذ سازی یا مطبعه که در سال منابع گزاف در مقابل کاغذ و پاکت مطعبه ندهند و لاف این مطلب را برای ایرانها اجراء کنند از این جهت مخالفم لکن از جهت دیگر اظهار موافقت کرده و عرض میکنم متأسفانه وزارت فوائد عامه در دوره مشروطیت جز تحمیل بر بودجه مملکت چیز دیگری نداده ولی امیدوارم در آتی وزارت فوائد عامه در سایه اقدامات آقای رئیس الوزراء و با آن مطالب و چیزهایی که نیکو است عمل نماید در خاتمه همان امیدواری که آقایان نمایندگان بشخص اول دولت اظهار داشته بنده هم اظهار امیدواری خود را بتأیید الهی عرض میکنم و امیدواری دارم که بودجه مملکت را چنانچه سابقاً وعده داده اند و حالاً هم در ضمن پروگرام ذکر کرده اند با سرعت وقتی تقدیم مجلس شورای ملی نمایند و نمایندگان و کمیسیونها را بکار اندازند این است مختصری از عرایض بنده که بعرض رساندم و اگر مواردی هم باشد که باز عرایض داشته باشم در موقع خود بعرض خواهم رساندم.

رئیس - آقایان را متذکر میکنم که وزارت فوائد عامه از موضوع بحث خارج است

(گفته شد صحیح است)

آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مطابق صورتی که با آقای رئیس تقدیم کردم دوازده نفر بودیم که به آقای رئیس الوزراء اعتماد نمودیم و هم چنین با پروگرام هم موافقم نهایت بعضی مطالب هست در موقعی که قوانین طرح میشود عرض میکنم ولی راجع بانجمنهای ایالتی و ولایتی عرض میکنم که چون دوره فترت بامدرس آموخت باین معنی که یعنی حکومت ملی را هنوز افراد مملکت ندانسته

و نمیدانند که حکومت ملی چه معنی دارد برای اینکه در دوره های فترت يك نکته هائی از برای مملکت پیدا میشده همیشه مانع بودند که يك مرکز شغلی از برای مملکت پیدا شود و پس از آنکه ما تصدیق کردیم که مرکز ثقل مملکت غیر از مجلس شورای ملی چیز دیگر نیست پس ناچاریم ضمانی برای آن تهیه کنیم و ضمانی از برای مشروطیت نیست مگر بطوریکه دوره اول بوده یعنی انجمنهای ایالتی و ولایتی را تأسیس کردند.

آقای رئیس الوزراء متوجه باین نکته میکنیم که توجه خاص بفرمایند تا اینکه قلوب ملت را که بدست دایه هائی که ابدآمعانست باملت نداشته برای استفاده خود از مجلس متنفر گردند بتأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی متوجه به مرکز ثقل و مرکز سیاست نمایند

که دیگر قضایائی مثل گیلان و وخراسان و آذربایجان پیدا نشود که بخوانند بعنوان ملیت جامعه ملت و مملکت را از هم تجزیه کنند همینطور که هر وزارتخانه در تمام ایران اداره دارد که بتوسط آن اداره تمام احکام خود را نفوذ میدهد اگر انجمنهای ایالتی و ولایتی هم در ولایات بود هم آثار انتخابات زودتر صورت میگرفت و هم آنقدر دایه ها پیدا نمیشدند که بعضی چیزها در روزنامه ها و مجلس را در انظار متغور کنند چون راجع بانجمنهای ایالتی و ولایتی در این پروگرام چیزی نوشته نشده بنده بطور جدیت از قای رئیس الوزراء درخواست میکنم که توجهی بسوی این مطلب بفرمایند مسئله دیگر هم که آقای تدین فرمودند راجع باجرای مجازات اگر چه قانون مجازات در مملکت لفظاً هست آیا هیچ شده است در این دوره ها که يك نفر را از قبیل رئیس مالیه یا نماینده وزارت داخله یا ادارات دیگر مؤاخذه نمایند؟ بنای عدالت و حکومت بر بیوم امید است چنانکه قوانین آسمانی همینطور است تا کار هر حکومتی بر بیوم امید نباشد آن حکومت نمی تواند قدرت خود را نفوذ بدهد در مملکت ما بیوم بکلی از میان رفته ابداً بیوم در میان مردم نیست هیچکس خودش را عضو مشغول نمیداند پس من از رئیس دولت تقاضا میکنم در مسئله اجرای مجازات بطور جدیت اقدام فرمایند بنده معتقد باین هستم که رئیس دولت میتواند قانون مجازات را آنطور که باید اعمال شود همانطور تقدیم مجلس شورای ملی کند و گمان نمیکنم هیچ يك از آقایان مخالف باشند مسئله ای که ما را در يك فشار فوق العاده آورده است و بنا بود اول چیزی که بمجلس تقدیم میشود مسئله مطبوعات باشد. آقای رئیس الوزراء را باین مطلب متوجه میکنم که قانون مطبوعات را بنظر بیاورند و این مسئله را خاتمه دهند که مطبوعات ما را تکذیب نکنند که مجلس هست و ما آزاد نیستیم امانه آن آزادی که عرض و ناموس هر کس را مضحکه خودشان قرار دهند.

رئیس - چون مدتی است از شب گذشته است اگر مجلس تصدیق میکند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه دیگر.

آقاسید فاضل - بنده پیشنهاد دارم.

رئیس - نوبت شما نیست.

آقاسید فاضل نوبت بنده نیست عجب؟ بنده بحسابی که خودم کرده بودم نوبت بنده بعد از آقاسید یعقوب بود گویا اشتباه کرده اند. يك کلمه مختصر بنده پیشنهاد می کنم که مذاکرات در کلیات خاتمه بیاید فقط

نصب العین هیئت دولت و آقایان نمایندگان این باشد که پروگرام مرام نباشد و نصیحت های آقای مدرس عملی باشد و نظریه مجلس و دولت را توافق بدهیم که چیزهایی که نوشته شده است ذوق آنها را مجری دارند.

رئیس - عده برای رای گرفتن کافی نیست اخذ رای را میگذاریم برای جلسه آتی جلسه روز یکشنبه دو بغروب خواهد بود.

مجلس ۳ ساعت از شب گذشته ختم شد